

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۶/۲۵

نسرين سيد رضوى^۱، بهروز الياسى^۲

نقش جعفر تبریزی در اعتلای مکتب هرات

چکیده

هدف این مقاله بررسی نقش جعفر تبریزی در اعتلای مکتب هرات بر پایه گسترش هنر کتاب‌آرایی و روند رو به رشد خط نستعلیق است. جعفر تبریزی ملقب به بایسنقری در تاریخ هنر ایران به‌عنوان یکی از هنرمندان بنام خوشنویسی عهد تیموری (۹ هـ.ق / ۱۵ م.) در خطوط هفت‌گانه و همچنین خط نستعلیق مطرح می‌شود. وی پس از دریافت سمت ریاست کتابخانه بایسنقری، به خلق کتاب‌های خطی و مصور و کتاب‌آرایی چندباره آنها اهمیت بسیار می‌دهد. مسئله این مقاله بررسی و دسته‌بندی فعالیت‌های جعفر تبریزی به‌عنوان عاملی اصلی و مهم در اعتلای مکتب هرات است. برای رسیدن به این مقصود، با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای در خصوص مکتب هرات، جعفر تبریزی و خط نستعلیق، داده‌ها جمع‌آوری شده و تحقیق به شیوه تاریخی تحلیلی با ارائه نموداری صورت گرفته است. مهمترین نتایجی که به‌دست آمد؛ نشان داد که نقش مؤثر جعفر تبریزی بایسنقری در پیشبرد کتابخانه بایسنقری و اعتلای مکتب هرات در سه محور رئیس، هنرمند و مدرس خوشنویس است. تلاش وی موجب خلق کتاب‌های خطی و مصور، پالایش خط نستعلیق و تعلیم و تربیت شاگردان گردید. مهمترین دستاورد ایشان، کتاب شاهنامه بایسنقری، پایه‌گذاری شیوه شرقی خط نستعلیق و تربیت ظهیرالدین اظهر است.

کلیدواژه‌ها: جعفر تبریزی؛ مکتب هرات؛ کتابخانه بایسنقری؛ کتاب‌آرایی تیموری؛ خط نستعلیق.

۱. مربی دانشگاه علم و فرهنگ، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: razavi @usc.as.ir

۲. کارشناس ارشد پژوهش هنر، استان تهران، شهر تهران

E-mail: behroozel@ yahoo.com

مقدمه

در تاریخ هنر کتاب‌آرایی ایران از اوایل قرن نهم هـ قمری و با شکل‌گیری کارگاه‌های درباری تیموری، مکاتبی شکل گرفتند که یکی از مطرح‌ترین آنها مکتب هرات است. در این زمان، شهر هرات قطب هنری ایران تلقی می‌شود و هنرمندان از اقصای نقاط ایران به این شهر کوچ کرده و در کارگاه‌های سلطنتی مشغول به کار می‌شوند. با پیچیدن آوازه هرات، مراکز مهم پیشین اهمیت و اعتبار خود را از دست می‌دهند و در مرتبه‌ای نازل‌تر قرار می‌گیرند. رفته‌رفته بر تعداد هنرمندان و همچنین فعالیت‌های بی‌دریغ آنان در کارگاه‌های سلطنتی افزوده می‌گردد. یکی از کتابخانه‌های مطرح در هرات کتابخانه بایسنقری است. این کتابخانه به فرمان شاهزاده تیموری، بایسنقر میرزا تأسیس می‌شود. در این کتابخانه هنرمندان، به‌ویژه خطاطان مورد لطف و توجه بی‌دریغ بایسنقر میرزا قرار می‌گیرند.

از جمله هنرمندان مورد توجه و حمایت بایسنقر میرزا، خطاط جعفر تبریزی است که «از استادان به نام خط نستعلیق به شمار می‌رفت» (مقدم اشرفی، ۱۳۶۷، ۴۵). بایسنقر میرزا وی را به ریاست کتابخانه‌اش انتخاب می‌کند. سلیقه ممتاز شاهزاده و مهارت کم‌نظیر جعفر تبریزی و دیگر استادان در بهترین نمونه‌های کتاب‌های خطی و مصور آن زمان، نظیر شاهنامه بایسنقری تجلی می‌یابد. در کتابت این شاهنامه - به دست جعفر تبریزی - از خط نستعلیق برای نگارش متن استفاده می‌شود. «خط نستعلیق دومین خط خاص ایرانیان بوده که پس از تعلیق در اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم هجری قمری، یعنی عهد تیموری پا به عرصه وجود گذاشته است» (منشی قمی، ۱۳۵۲، ۱۶). تناسب، ظرافت و گردش‌های لطیف خط نستعلیق کاربرد آن را در هنر ایران تداوم می‌بخشد.

زحمات و تلاش گسترده جعفر تبریزی در کتابخانه بایسنقری وی را به عنوان یکی از معروف‌ترین شخصیت‌های تاریخ هنر ایران مطرح می‌سازد. آوازه جعفر تبریزی به حدی است که «بعضی قدما مانند حافظ حسین تبریزی، صاحب *روضات الجنان* و صاحب *تذکره حالات هنروران* پیش از نام او، لقب فریدالدین را آورده‌اند» (بیانی، ۱۳۵۸، ۱۱۵) و کسانی دیگر نظیر سلطان‌علی قاینی وی را قبله کتاب و غالباً کمال‌الدین خوانده‌اند (فضایلی، ۱۳۶۲، ۴۵۶). همچنین یکی از بهترین شاگردانش به نام اظهر تبریزی در قطعه‌ای به خط خویش چنین گفته است: «و مخترع ثانی و هو شیخی و قبلتی مولانا کمال‌المله و الدین جعفر التبریزی روح‌الله تعالی روحه العزیز» (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۱۶).

از این رو با توجه به جایگاه و موقعیت حساس جعفر تبریزی در تاریخ هنر خوشنویسی و کتاب‌آرایی ایرانی، لازم است بررسی‌هایی در خصوص فعالیت‌های وی صورت گیرد. البته تاکنون تحقیقاتی درباره مکتب هرات و خط نستعلیق انجام گرفته و اشاراتی به جعفر تبریزی نیز شده است. اما در این مقاله مسئله تحقیق، انجام بررسی گسترده و متمرکز درباره جعفر تبریزی و دسته‌بندی فعالیت وی در کارگاه سلطنتی کتابخانه بایسنقری به عنوان عاملی مؤثر در اعتلای مکتب هرات است. با این هدف که نقش مؤثر جعفر بایسنقری در اعتلای مکتب هرات بر پایه گسترش هنر کتاب‌آرایی و روند رو به رشد خط نستعلیق مورد تأیید و تأکید قرار گیرد. در این زمینه سؤال تحقیق این‌گونه طرح می‌شود: نقش جعفر تبریزی بایسنقری در اعتلای مکتب هرات چیست؟

در فرضیه مقاله به نظر می‌رسد که جعفر تبریزی نقش مهم و مؤثری در اعتلای مرحله نخست

مکتب هرات داشته است. برای پاسخ دادن به سؤال تحقیق و بررسی صحت و سقم فرضیه آن با اتکاء بر متون سنتی و تحقیقات محققان حاضر، مطالبی درباره نحوه شکل‌گیری مکتب هرات مطرح و نقش مؤثر جعفر تبریزی در اعتلای این مکتب ذیل عناوینی نظیر ریاست کتابخانه سلطنتی، خلق آثار خطی و مصور، تکامل خط نستعلیق و همچنین تعلیم و تربیت شاگردان بررسی می‌شود. تحلیل به‌دست آمده در جدولی که دربرگیرنده زحمات جعفر تبریزی است، ارائه می‌شود.

۱. شکل‌گیری مکتب هرات در عهد تیموری

در سایه حمایت سلاطین تیموری اکثر شاخه‌های هنری نظیر هنر کتاب‌آرایی در ایران رشد قابل توجهی کرد. پس از مرگ تیمور کوچک‌ترین پسرش شاهرخ با غلبه بر مدعیان حکومت پدر را در دست گرفت و در نخستین اقدام پایگاه حکومت را از ماوراءالنهر به خراسان انتقال داد و هرات را به پایتختی برگزید (کاوسی، ۱۳۸۹، ۱۹). این شهر محیط مناسب و امنی برای فعالیت هنرمندان شد. «او علاوه بر پایبندی به دین، تقوی، عدالت و صلح‌جویی، بسیار بخشنده، علم‌دوست، دانش‌پرور و آباد کننده بود؛ به‌طوری که همه خرابی‌های زمان تیمور به‌دست او مرمت و آباد شد؛ شعر می‌گفت و خطی خوب داشت. در زمان او هرات علاوه بر برخوردار شدن کتابخانه بزرگی که به امر شاهرخ در آنجا تأسیس یافته بود، مرکز تجمع دانشمندان، ادبا، شعرا، خطاطان، و نقاشان نیز شد» (طلوعی، ۱۳۸۸، ۲۷۶ و ۲۷۷).

فرزندان شاهرخ نیز به هنر و هنرمندان علاقمند بودند. «بایسنقر میرزا، ابراهیم سلطان و الغ بیگ به‌ترتیب کارگاه‌های کتاب‌آرایی در هرات، شیراز و سمرقند بر پا کردند» (پاکباز، ۱۳۸۳، ۷۱). پسر دیگرش محمد جوکی نیز در بلخ به حمایت هنرمندان پرداخت. در این میان، غیاث‌الدین بن شاهرخ بن امیر تیمور ملقب به بایسنقر میرزا (۸۰۲ تا ۸۳۷ هـ.ق / ۱۳۹۹ تا ۱۴۳۳ م) «مردی با ذوق و هنرمند و خوش‌گذران بود. از کارهای حکومتی پدر کناره گرفت و عمر خود را به جمع‌آوری کتاب و مجالست با اهل هنر و ادب گذراند. دستگاه او محل تجمع نقاشان، خطاطان، شعراء و اهل فضل و ادب شد و خود نیز در شعر گفتن مهارتی به‌سزا داشت و اقسام خط را نیز به نیکویی می‌نوشت» (طلوعی، ۱۳۸۸، ۲۷۸). وی «از استادان برجسته و طراز اول خط محقق و ثلث در تاریخ خوشنویسی به‌شمار می‌رود» (اصفهانی، ۱۳۶۹، ۲۱۸). آثاری که امروزه از شاهزاده بایسنقر میرزا موجود است شامل کتابه‌های مسجد گوهرشاد در شهر مشهد، «چندین کلام‌الله و دعاها و نسخ ممتاز به خط ایشان در کتابخانه آستان قدس رضوی و موزه ایران باستان است» (نخجوانی، ۱۳۷۲، ۱۲۲).

بایسنقر میرزا کتابخانه‌ای مفصل در هرات [به سال ۸۲۳ هـ.ق / ۱۴۲۰ م] بنا کرد و برجسته‌ترین استادان هنرهای تجسمی و کاربردی در کتابخانه بایسنقری مشغول به‌کار شدند. «در میان این اشخاص، اسامی نظیر جعفر تبریزی، قوام‌الدین، پیر احمد باغشمالی، میرخلیل و خواجه غیاث‌الدین» (پاکباز، ۱۳۸۳، ۷۳) وجود داشت. حمایت بایسنقر میرزا از این گروه از هنرمندان روزافزون و بی‌دریغ است؛ چنانچه در حبيب السیر آمده «هر کس از خوشنویسان و مصوران و نقاشان و مجلدان در کار خویش ترقی می‌کرد، به همگی به حالش می‌پرداخت» (خواندمیر، ۱۳۵۳، ۳/۶۲۲). از این‌رو «کتابخانه‌ای که بایسنقر میرزا در هرات ترتیب داد، پناهگاه هنرمندان و پایگاه پاسداران سنت‌های هنری ایران گردید» (آژند، ۱۳۸۷، ۲۹). «شاهرخ پس از مرگ بایسنقر میرزا، مناصب او را به میرزا علاءالدوله [فرزند بایسنقر] تفویض نمود» (خواندمیر، ۱۳۵۳، ۳/۶۲۲). با روی کار آمدن

علاءالدوله، «فعالیت در کتابخانه بایسنقر میرزا متوقف نشد؛ ولی برخی از هنرمندان به فارس، آذربایجان یا حتی هندوستان نیز مهاجرت کردند» (کن بای، ۱۳۷۸، ۶۱). حاصل تلاش هنرمندان کتابخانه بایسنقری مجموعه آثاری نفیس از کتاب‌های منثور و منظوم خطی و مصور ادبی است که امروزه به‌عنوان پشتوانۀ هنری مکتب هرات به‌دقت در موزه‌های ایران و جهان حفظ و نگهداری می‌شوند. سه نسخه موجود از کلیله و دمنه یکی در موزۀ گلستان تهران و دو دیگر در موزۀ توپ‌قاپوسرای استانبول، دو مورد از جامع‌التواریخ یکی در موزۀ رضا عباسی تهران و دیگری در کتابخانه ملی فرانسه، کتابی از خمسۀ نظامی در موزۀ آرمیتاژ لنینگراد، گلستان سعدی در کتابخانه چستربینی دابلین، نمونۀ شاهنامه فردوسی در کتابخانه موزۀ کاخ گلستان تهران، هفت‌پیکر در موزۀ هنری متروپولیتن نیویورک، دو مورد همای و همایون و معراج‌نامه موجود در کتابخانه ملی وین و همچنین دیوان حافظ در بنیاد گورکیان نیویورک از جمله آثاری هستند که اعتبار هنری هرات را بیش از پیش نمایان می‌سازند. تا جایی که همواره در متون مرتبط، از هرات تحت عناوینی نظیر «نگین آسیا، مرکز رنسانس شرق» (صدیقی، ۱۳۶۹، ۷) «کلید آسیا و مرکز نوزایی آسیای میانه» (حبیبی، ۱۳۵۵، ۹۱) یاد می‌شود.

۲. نقش جعفر تبریزی بایسنقری در اعتلای مکتب هرات

میرزا جعفر بن علی تبریزی یا فریدالدین جعفر تبریزی ملقب به بایسنقری از جمله خوش‌نویسان به‌نام عهد تیموری است که تاریخ تولد و درگذشت وی به‌درستی مشخص نیست. «ولی از آثار و خطوط بر جای مانده از او پیداست که بین سال‌های ۸۱۶ تا ۸۵۶ هـ.ق / ۱۴۱۳ تا ۱۴۵۲ م زنده بوده است» (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۱۸). از قرار معلوم «مولانا جعفر ایام کودکی و نوجوانی را در تبریز می‌گذراند و از استادان نام‌دار زمانه، یعنی مولانا شمس‌الدین محمد مشرقی خطوط سته [۱] را فرا می‌گیرد و سپس در نزد مولانا عبدالله، خط نستعلیق را می‌آموزد و به شهرت می‌رسد و چندی را به خدمت میرانشاه فرزند تیمور و حاکم آذربایجان درمی‌آید» (آژند، ۱۳۸۶/ب، ۷۳). زمانی که بایسنقر میرزا، حاکم تیموری در سمت فرمانده قشون برای نجات تبریز از دست ترکمن‌ها به آنجا می‌رود؛ در بازگشت استاد جعفر را با خود به هرات می‌آورد و در این زمان نسخه‌ای از جنگ سلطان احمد بغداد، دوباره‌سازی می‌شود که «کتابت آن به عهده مولانا فریدالدین جعفر بوده است» (گواشانی هروی، ۱۳۷۲، ۲۷۰).

جعفر تبریزی در طی فعالیتش در هرات به ریاست کتابخانه سلطنتی منصوب شده و به لقب بایسنقری نایل می‌آید. «کتابخانه خاص مولانا جعفر در یکی از حجره‌های عمارت چهلستون باغ سفید هرات بوده است» (دوست محمد، ۱۳۷۲، ۲۷۰). اقامت وی در آنجا با درگذشت بایسنقر میرزا نیز ادامه می‌یابد. «تاریخ وفات جعفر را جز سپهر، دیگری از تذکره‌نویسان نیاورده‌اند و او در تذکرۀ خود یک‌جا سال مرگش را ۸۶۰ هـ.ق / ۱۴۵۶ م و جای دیگر ۸۶۲ هـ.ق / ۱۴۵۸ م ثبت کرده است» (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۱۵). در این مقاله، فعالیت جعفر تبریزی در هرات که هم‌زمان با حکومت شاهرخ و شاهزاده بایسنقر میرزا است ذیل سه عنوان ریاست کتابخانه بایسنقر، خلق آثار و تکامل خط نستعلیق و همچنین تعلیم و تربیت شاگردان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نامۀ هنرهای تجسمی و کاربردی

```

graph TD
    Root1([میرزا علی الله]) --- B1[امیر خلیل الله]
    Root1 --- B2[استاد سیف الدین]
    Root1 --- B3[خواجہ میر علی]
    Root1 --- B4[غیاث الدین]
    Root1 --- B5[غلامش]
    B1 --- B1_1[مولانا علی مصور]
    B1 --- B1_2[مولانا شہاب مذہب]
    B1 --- B1_3[خواجہ عطا]
    B1 --- B1_4[حاج محمود مجلد]
    B2 --- B2_1[خواجہ میر علی]
    B2 --- B2_2[خواجہ عبد الرحیم مصور]
    B3 --- B3_1[مولانا شہاب الدین]
    B3 --- B3_2[عبدالله بیانی]
    B3 --- B3_3[مولانا شیر علی]
    B3 --- B3_4[مولانا بابا خان تربتی]
    B4 --- B4_1[مولانا سید الدین]
    B4 --- B4_2[سیدیک نیشاپوری]
    B4 --- B4_3[مولانا نسیمی]
    B4 --- B4_4[شمس الدین محمد]
    B5 --- B5_1[مولانا سید جلال]
    B5 --- B5_2[ابن عقد]
    B5 --- B5_3[مولانا کاتبی]
    B5 --- B5_4[محمد ترشیزی]
    B5 --- B5_5[مولانا شوقی]
    B5 --- B5_6[یزدی]
    B5 --- B5_7[مولانا نازکی]
    B5 --- B5_8[مکتب دار]
    B5 --- B5_9[میر صغی]
    Root2([رئیس کتابخانہ  
مولانا جعفر باباستغری]) --- B6[مولانا محمد مطہر]
    Root2 --- B7[تبریزی]
    Root2 --- B8[ظہیر الدین اظہر]
    Root2 --- B9[خواجہ محمود سبزواری]
    Root2 --- B10[حافظ حاجی محمد]
    Root2 --- B11[مولانا پختی]
    Root2 --- B12[سیدیک نیشاپوری]
    Root2 --- B13[مولانا نسیمی]
    Root2 --- B14[شمس الدین محمد]
    Root2 --- B15[کلتی]
    Root2 --- B16[مولانا ابراہیم]
    Root2 --- B17[تبریزی]
    Root2 --- B18[میر صغی]
    Root3([کتابخانہ احتیاطاً  
مولانا شمس]) --- B19[مولانا معروف]
    Root3 --- B20[مولانا شمس]
    Root3 --- B21[تاج الدین سلمانی]
    Root3 --- B22[مولانا میرکی]
    Root3 --- B23[کمال الدین شیخ]
    Root3 --- B24[محمود زرین قلم]
    Root3 --- B25[امیر شاہی]
    Root3 --- B26[سبزواری]
    Root3 --- B27[مولانا حافظ علی]
    Root3 --- B28[مولانا فیضی]
    Root3 --- B29[مولانا شہابی]
    Root3 --- B30[مکتب دار]
    Root3 --- B31[میر صغی]
  
```

The diagram illustrates the lineage of the Mirzaei family, organized into three main branches. The top branch, headed by 'میرزا علی الله' (Mirza Ali Allah), includes 'امیر خلیل الله' (Amir Khalil Allah), 'استاد سیف الدین' (Ustad Siyf al-Din), 'خواجہ میر علی' (Khawajeh Mir Ali), 'غیاث الدین' (Ghiyath al-Din), and 'غلامش' (Ghلامsh). The middle branch, headed by 'رئیس کتابخانہ مولانا جعفر باباستغری' (Rais-e-Kutubkhana Molana Jaffer Babastaghi), includes 'مولانا محمد مطہر' (Molana Muhammad Matheer), 'تبریزی' (Tabrizi), 'ظہیر الدین اظہر' (Zahid al-Din Azzaher), 'خواجہ محمود سبزواری' (Khawajeh Mahmud Sabzawari), 'حافظ حاجی محمد' (Hafiz Hajji Muhammad), 'مولانا پختی' (Molana Pakhty), 'سیدیک نیشاپوری' (Sayid-e-Nishapuri), 'مولانا نسیمی' (Molana Nasimi), 'شمس الدین محمد' (Shams al-Din Muhammad), 'کلتی' (Kaltay), 'مولانا ابراہیم' (Molana Ibrahim), and 'تبریزی' (Tabrizi). The bottom branch, headed by 'کتابخانہ احتیاطاً مولانا شمس' (Kutubkhana-e-Ihtiyati Molana Shams), includes 'مولانا معروف' (Molana Ma'roof), 'مولانا شمس' (Molana Shams), 'تاج الدین سلمانی' (Taj al-Din Salmāni), 'مولانا میرکی' (Molana Mirki), 'کمال الدین شیخ' (Kamal al-Din Sheikh), 'محمود زرین قلم' (Mahmud Zarin Qalam), 'امیر شاہی' (Amir Shahi), 'سبزواری' (Sabzawari), 'مولانا حافظ علی' (Molana Hafiz Ali), 'مولانا فیضی' (Molana Faizi), 'مولانا شہابی' (Molana Shahabi), and 'مکتب دار' (Maktab Dar). The name 'میر صغی' (Mir Saghi) appears at the bottom of the diagram, likely indicating a common ancestor or a specific lineage.

VV

در تاریخ هنر ایران، اصطلاح عرضه‌داشت «گزارش کار زیردستان به کارفرمایان را می‌گفتند» (آژند، ۱۳۸۷، ۴۲). نمونه‌ای از عرضه‌داشت‌ها که متعلق به مکتب هرات و دوره تیموری است (تصویر ۲)، امروزه در موزه «توپقای» به شماره H ۲۱۵۳، در داخل «آلبوم فاتح»، ورق ۹۸۵ نگهداری می‌شود. بر طبق نظر محققان، این «سند در رمضان سال ۸۳۰ هـ ق توسط جعفر تبریزی خوشنویس معروف دوره تیموری جهت گزارش کارهای جاری کتابخانه هرات برای بایسنقر میرزا تهیه شده است» (پارسای قدسی، ۱۳۵۶، ۴۶). معرفی این سند توسط «احمد زکی ولیدی طوغان» در چهارمین کنگره تاریخ به سال ۱۳۶۶ هـ ق/ ۱۹۴۷ م در آنکارا صورت گرفت. پیداست

که سند به خط نستعلیق و بر «روی کاغذی به ابعاد ۱۳۵×۴۶۰ میلی‌متر به رنگ کرم روشن، تحریر یافته است» (پارسای قدسی، ۱۳۵۶، ۴۸). در متن به نام نویسنده و گیرنده آن اشاره نشده و همچنین بدون تاریخ است.



تصویر ۳. مؤخره کتاب مهر و میثرتی، به خط رقاع، کتابت جعفر تبریزی، احتمالاً در یزد، منبع: سودآور، ۱۳۸۰، ۱۳۰



تصویر ۲. سند عرضه داشت به کتابت جعفر بایسنقری، هرات، منبع: موزه توپقاپی استانبول

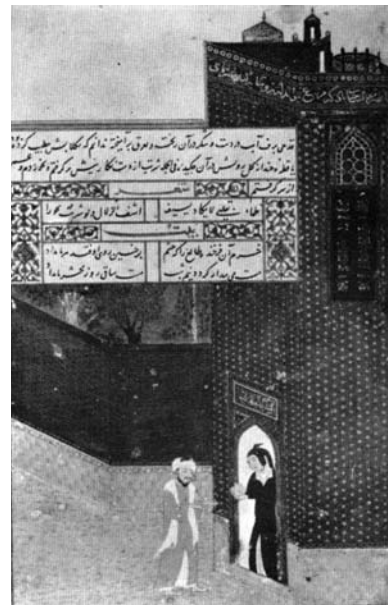
عرضه داشت مورد بحث چندین بخش دارد که بخش نخست آن مقدمه است. «مقدمه با جملات متکلف و مناسب نثر آن دوره تحریر شده است. «از خاک برگرفتگان و ملازمان کتبخانه همیون که دیده ایشان در انتظار غبار سم سمند همایون چون گوش روزه دار بر الله اکبرست و از غایت بهجت و سرور فریاد «الحمد لله الذی اذهب غنا الحزن ان ربنا لغفور شکور» بر ذروه فلک می‌رسانند» (آژند، ۱۳۸۷، ۴۴۸). پس از مقدمه و در بخش بعدی آمده است «که امیرخلیل دو موضع دریا از گلستان موج آب تمام کرده برنگ نهادن مشغول خواهد شد. مولانا شهاب دیباجه و چهار لوح و شرف دیباجه صورتگری را طلا نهاده و هشت نعل شمسه میان دیباجه را تحریر کرده و حالی بیک موضعی دیگر از عمارت گلستان مشغول است. محمود از ده لوح دیوان خواجه، هفت لوح را بیوم رسانیده بماباقی مشغول است. خواجه عطای جدولکش تاریخ مولانا سعدالدین و دیوان خواجه را تمام کرده بشهنامه مشغول است. مولانا محمد مطهر از کتابت شهنامه بیست و پنج هزار بیت تمام کرده است. مولانا شمس یک کشتی تمام کرده و یک لوح را از دیوان خواجه بیوم رسانیده است. نقاشان باجمعهم هفتاد و پنج چوب خرگاه را به رنگ آمیز و شستمان مشغول‌اند. مولانا علی روز تحریر عرضه داشت به طرح دیباجه شهنامه مشغول شد و چند روز چشم او درد می‌کرد. مولانا قوام‌الدین روی جلد شهنامه را حاشیه اسلیمی مکمل کرده و عیش تماشای متن جلد را بقلم گرفته و قریب دو دانگ بوم شده است و پشت و سر و گردن چسبانیده و طریق کشیده شده است. حاجی محمود جلد نقل رسایل را متن رو بوم و تحریر شده گلزار مشغول است. مولانا قطب از تاریخ طبری ده جزو کتابت کرده است. خواجه عبدالرحیم بطروح مجلدان و مذهبان و خیمه‌دوزان و کاشی‌تراشان مشغول است. دو کشتی دیگر را حاجی و خطای بحل‌کاری رسانیده‌اند. استاد سیف‌الدین سلامتست و زحمت او بصحت مبدل شد. خواجه غیاث‌الدین از

رسایل دو موضع بچهره رسانیده و یک موضع دیگر نزدیکست و حالی به یک موضع عمارت که از گلستان باطل کرده‌اند مشغول شده است. مولانا شمس را از نقل رسایل خط خواجه علیه‌الرحمه یک جزو مانده است. خواجه محمود جلد رسایل خط خواجه را پشت و رو مکمل کرده بسر و گردن مشغول است. خواجه عطا اجزای گلستان تمام کرده و سرلوح تاریخی که مولانا سعدالدین کتابت کرده دو لوح را ببوم رسانیده به تتمه مشغول است. مولانا سعدالدین سرصندوقچه بیگم را تمام کرده و یک پهلوی او به پرداخت رسیده است و طبقه در که مانده بود پانزده روز دیگر تمام می‌شود. یک کشتی دیگر را عبدالسلم نزدیک آورده که تمام کند. طرح میر دولتیار بود جهت زین خواجه میرحسن نقل کرد و میر شمس‌الدین پسر خواجه میرحسن و استاد دولت‌خواجه بصدف تراشی مشغول‌اند. بنده کمتر و ذره احقر سه جزو و نیم از کتابت شهنامه تمام کرده آغاز کتابت نزه الارواح کرده است. بر دعا اختصار خواهم کرد و از دعا به چه کار خواهم کرد. دولت مخلص‌باد بمحمد و آله» (آژند، ۱۳۸۷، ۴۴۹ و ۴۴۸).

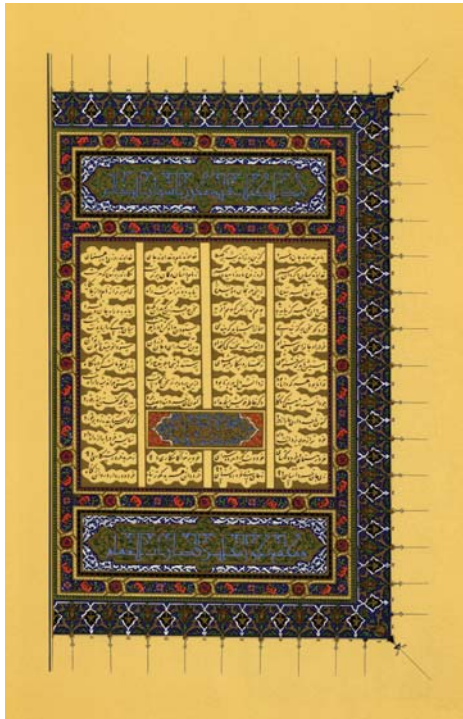
در بخش‌های سوم و چهارم این عرضه‌داشت، به عناوین «عمارات» و «خرگاه» اشاره شده است که اختصاص به اموری نظیر ساخت بنا و تزیین چادرهای سلطنتی دارد. [۲] بر طبق این سند گزارش دقیق، در مواردی نظیر اعلام نام هنرمندان، وظایف و میزان پیشرفت هر یک در امری که بدان مشغول‌اند، از وظایف ریاست کتابخانه بوده است. پیداست که ارائه گزارش‌هایی از این دست، نظارت مستمر ناظر را می‌طلبیده و بدیهی است که دقت و نظارت جعفر تبریزی بایستقروی در امور استتساخ و کتاب‌آرایی، ساخت‌وساز و تزیین اشیاء، احداث بناها و اجرای تزیینات وابسته به آنها، خیمه‌دوزی و آراستن چادرهای بزرگ سلطنتی و دیگر هنرهای رایج باعث پیشرفت امور می‌شده است. از این‌رو سند عرضه‌داشت جعفر تبریزی در اعتلای مکتب هرات، عاملی مؤثر محسوب می‌شود.



تصویر ۵. گلستان سعدی، سعدی شاعر و دوستش در باغ هنگام شب، کتابت جعفر تبریزی، هرات، منبع: Rabinson, 1981, 14



تصویر ۴. گلستان سعدی، کاتب جعفر تبریزی، هرات، منبع: بینون، ویلکینسون و گری، ۱۳۶۷، ۱۸۹

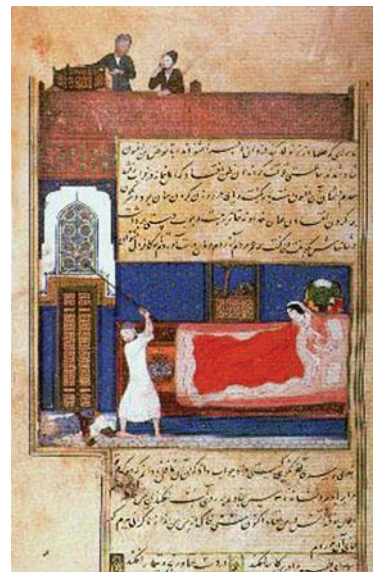


تصویر ۶. برگی از کتاب شاهنامه بایسنقری به کتابت جعفر بایسنقری، هرات، منبع: موزه کاخ گلستان

۲.۲. آثار جعفر تبریزی

بخشی از شهرت مکتب هرات، مدیون آثار جعفر تبریزی است. فعالیت وی در کتابت کتاب‌های خطی و مصور، همچنین خوشنویسی قطعات، توجه اهل فن را برمی‌انگیزد. از اولین آثار منسوب به جعفر تبریزی، «نسخه‌ای از کلیات همام تبریزی، به خط نستعلیق است که در ۸۱۶ هـ.ق/ ۱۴۱۳ م کتابت شده و در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. در این نسخه، نام کاتب میرزا جعفر تبریزی قید شده است. وی در این زمان هنوز به دربار بایسنقر میرزا راه نیافته بود» (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۲۲). رقم دیگر این هنرمند جعفر الکتاب تبریزی است که در نسخه‌ای متعلق به سال ۸۲۲ هـ.ق/ ۱۴۱۹ م به نام منظومه «مهر و مشتری» عصار تبریزی، به چشم می‌خورد. در خاتمه آن خوانده می‌شود که «خدم بکتابته المفخر بعبودیه الحضرة الخاقانیه و المباهی بخدمه من له تهیید القواعد السلیمانیة الداعی لدوام دولة و نظام امره و الشاکر لسوابغ نعمه و سوانح قسمه جعفر الکتاب التبریزی احسن الله آماله فی اوائل ربیع الآخر سنه اثنی و عشرین و ثمانمائه» (سودآور، ۱۳۸۰، ۱۳۰) (تصویر ۳).

نسخه دیگر به قلم جعفر تبریزی، دیوان اشعار حسن دهلوی است. این کتاب که در سال ۸۲۵ هـ.ق/ ۱۴۲۲ م به دارالسلطنه هرات تقدیم شده امروزه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران (ش ۴۰۱۷) موجود است. در خاتمه آن به جعفر البایسنقری، چنین اشاره می‌شود. «کتبه العبد المحتاج الی الله الغنی، جعفر البایسنقری، احسن الله احواله فی الدارین، فی خامس عشرین و ثمانمائه الهجریه، بدار السلطنه هراه، حمیت عن الاعرافات والنکبات تم» و آن به قلم کتابت خفی متوسط است (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۱۹). «نسخه خطی خسرو و شیرین (۸۲۵ هـ.ق/ ۱۴۲۲ م) که اکنون در آکادمی علوم لنینگراد حفظ می‌شود و در آن امضای البایسنقری به چشم می‌خورد» (گری، ۱۳۶۹، ۷۷) مورد بعدی است که به قلم کتابت بوده و چنین تمام می‌شود «تمام شد کتاب خسرو و شیرین از گفتار ملیح الکلام نظامی گنجه رحمه الله علیه، فی شهور سنه اربع و عشرین و ثمانمائه». کتبه المفتر الی الله الغنی الاکبر، ابن علی، جعفر البایسنقری، تجاوز الله عن سیاته بمحمد وآله». (بیانی ۱۳۶۳، ۱۲۰). نسخه دو جلدی تذهیب شده از گلستان سعدی نمونه دیگری است (تصاویر ۴ و ۵) که «متعلق به آقای چستریتی بوده و در هرات تهیه شده است و به وضوح تاریخ ۸۳۰ هـ.ق/ ۱۴۲۶ م و امضای جعفر بایسنقری را دارد» (بینیون و همکاران، ۱۳۶۷، ۱۴۹).



تصویر ۸. برگی از نسخه کلیله و دمنه، خطرات زندگی، کتابت جعفر بایسنقری، هرات، موزه توپقاپی سرای، منبع:

www.ee.bilkent.edu.tr/~history/timurid.html

تصویر ۷. برگی از نسخه کلیله و دمنه، پیدا شدن دزد در اتاق خواب، کتابت جعفر بایسنقری، هرات، موزه توپقاپی سرای، منبع:

www.ee.bilkent.edu.tr/~history/timurid.html

اثر دیگر جعفر تبریزی که معروف‌ترین اثر وی نیز به‌شمار می‌آید نسخه‌ای از شاهنامه است که به شاهنامه بایسنقری (تکمیل در سال ۸۳۳ هـ.ق / ۱۴۲۹ م) شناخته شده و محل نگهداری آن موزه کاخ گلستان تهران است (تصویر ۶). در خاتمه این کتاب به نام جعفر البایسنقری اشاره شده و عبارت آن چنین است «قد وقع الفراغ من تحریر هذا الكتاب الشریف و تسطیر ذلک الرق المنیف باشاره الخان بن الخان، سلطان سلاطین العهد والزمان... غیاث السلطنة و الدین و الدین، بایسنقر بهادر سلطان، خلد الله تعالی ملکه و سلطانه، علی ید العبد الضعیف المفقتر الی رحمه الباری جعفر البایسنقری، اصلح الله احواله؛ فی الخامس من جمادی الاولی سنه ثلاث و ثلثین و ثمانمائه هلالیه، و الحمد لله اولاً و آخراً». متن این کتاب به قلم نستعلیق کتابت خفی متوسط و عنوان‌ها به کوفی تزیینی خوش و غالباً نیم دو دانگ رقاع عالی است (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۱۹).

اثر دیگر «نمونه‌ای از کلیله و دمنه است که به سال ۸۳۴ هـ.ق / ۱۴۳۰ م جعفر بایسنقری خوشنویسی کرده است» (شاد قزوینی، ۱۳۸۶، ۱۲۵). این نسخه (تصاویر ۷ و ۸) با قطع کوچک ۱۶/۵×۱۰/۵ سانتی‌متر در موزه توپقاپی‌سرای (به شماره ۳۶۲.H) نگهداری می‌شود. مورد بعدی یک نسخه نفیس خطی و بدون تصویر «از تاریخ حمزه الاصفهانی بوده که توسط جعفر در سال ۸۳۵ هـ.ق / ۱۴۳۱ م برای بایسنقر میرزا نوشته شده است» (موجود در موزه بریتانیا ۲۷۷۳.0۲) (بینیون و همکاران، ۱۳۶۷، ۱۵۳). «یک نسخه جنگ اشعار فارسی و عربی به قلم نستعلیق کتابت خفی نیز وجود دارد که مزین و مصور بوده و تاریخ تحریر ۸۳۵ هـ.ق / ۱۴۳۱ م و رقم جعفر التبریزی را دارد» (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۲۰). نمونه‌ای از دیوان حافظ، به قلم جعفر تبریزی و به خط نستعلیق کتابت شده که «در موزه آثار اسلامی و ترک استانبول نگهداری می‌شود و چنین تمام می‌شود: تم الدیوان بعون الملك المنان؛ علی یدالعبد الفقیر المحتاج الی رحمه الله و غفرانه، جعفر البایسنقری، احسن الله احواله فی الدارین، ببلده هراه، حماها الله تعالی عن البلیات» (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۲۰).



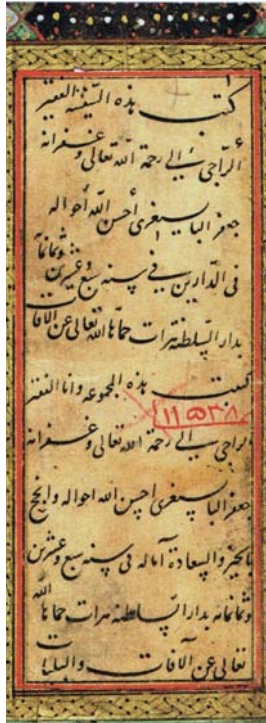
تصویر ۹. قطعه، کتابت جعفر تبریزی بایسنقری،
مجموعه دکتر بیانی، منبع: فضایی، ۱۳۶۲، ۳۲۵

امروزه چندین اثر به صورت قطعه، از جعفر تبریزی در دست است (تصویر ۹) «که علاوه بر نستعلیق به ثلث، ریحان، نسخ، رقاع و توقیع نیز نگاشته شده و نهایت مهارت وی را در جمله اقلام متداول زمان نشان می‌دهند» (فضایی، ۱۳۶۲، ۳۲۴). یکی از این قطعات شامل «صفحات ضمیمه مرقع گلشن، به قلم کتابت خوش و رقم آن به قلم نسخ غبار عالی است؛ به این مضمون: کتبه العبد الضعیف النحیف المحتاج الی رحمه الله و غفرانه، جعفر، تجاوز الله عنه و کتبه العبد المذنب، جعفر الکاتب تجاوز الله عنه، علی طریق واضع الاصل علی بن حسن السلطانی رحمه الله، بدار السلطنه هرات، حمیت عن الآفات» (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۲۰). مورد دیگر قطعه‌ای به تاریخ ۸۲۷ هـ ق / ۱۴۲۴ م موجود در کتابخانه ملی تهران است (تصویر ۱۰). این قطعه به خط نستعلیق کتابت متوسط بوده و مطلب آن دو بار رقم دارد.

«کتب هذا السقینه، الفیر الراجی الی رحمه الله تعالی و غفرانه، جعفر البایسنقری، احسن الله احواله فی الدارین، فی سنه سبع و عشرين و ثمانمائه، بدار السلطنه هرات، حماها الله تعالی عن الآفات.» و «کتب هذه المجموعه و انا الفقیر الراجی الی رحمه الله تعالی و غفرانه، جعفر البایسنقری، احسن الله احواله و انجح بالخير و الساده آماله، فی سنه سبع و عشرين و ثمانمائه، بدار السلطنه هرات، حماه الله تعالی عن الآفات والبلیات.» (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۱۹ و ۱۲۰).

اکثر قطعات موجود که به خط جعفر تبریزی، هستند امروزه در استانبول و کتابخانه خزینه اوقاف این شهر نگهداری می‌شوند. این مقاله به برخی از این نمونه‌ها اشاره دارد. «چندین قطعه از مرقع بهرام میرزا صفوی که شامل اشعاری از شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی، به قلم نستعلیق و کتابت خوش که آنها نیز به نام بایسنقر است؛ با دو قطعه دیگر که یکی چنین رقم دارد: «اللهم متع و خلدوله السلطان بن السلطان جلال السلطنه و الدنيا والد بن علاء الاسلام و المسلمین، خلد الله تعالی» که ظاهراً به نام جلال‌الدین میرانشاه است و رقم دیگری: «اللهم ابد دولة السلطان الاعظم علاء الدوله خلد ملکه» که ظاهراً به نام میرزا علاء الدوله فرزند بایسنقر میرزا بوده و تاریخ‌های سال ۸۳۰ و ۸۳۳ قمری را دارد. سه قطعه در مرقع‌های دیگر به قلم‌های ثلث سه دانگ و نسخ کتابت و رقاع نیم دو دانگ عالی و نستعلیق کتابت خفی و خوش که یکی تاریخ ۸۳۳ را دارد (بیانی ۱۳۶۳، ۱۲۱).

مطرح‌ترین قطعه موجود از جعفر تبریزی بایسنقری «مرقعی به قطع عظیم در کتابخانه دانشگاه شهر توپینگن آلمان است که شامل همه خطوط از نستعلیق و اقلام سته و نمونه‌ای از بهترین خطوط شکسته تعلیق بوده» (فضایی، ۱۳۶۲، ۳۲۴) و رقم آن این است «خدم بکتابتها الفقیر احقر عباد الله تعالی و احوجهم الی عفو و غفرانه، جعفر الحافظ التبریزی احسن الله عواقبه فی يوم الاثنين رابع عشر ربیع الثانی لسنه عشرين و ثمانمائه، هجریه نبویه، بدار العباد یزد، صانه الله عن المحدثان. صاحبه و مالکه حسن بن اسد الله الحسینی اصلح الله شأنه» (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۲۱).



تصویر ۱۰. انجامه، جعفر
بایسنقری، هرات، منبع: موزه
ملی ایران

قطعه‌ای با قاب مستطیل کشیده در مجموعه چستریتی موجود است که در این مقاله به‌عنوان آخرین نمونه از آثار جعفر تبریزی به آن اشاره می‌شود (تصویر ۱۱). تاریخ آن «۸۳۵ هـ/ق / ۱۴۳۱ م است و امضای جعفر التبریزی را داراست» (بینیون، ویلکینسون و گری، ۱۳۶۷، ۱۵۳). [۳] مجموعه آثار موجود از جعفر تبریزی بایسنقری، مهارت وی را در انواع خطوط اصول و همچنین خط نستعلیق نشان می‌دهد. شهرت وی در خط نستعلیق بیشتر مدیون کتابت کتاب‌های خطی و مصور است و در خطوط اصول، توان بی‌نظیر جعفر تبریزی بایسنقری در خوشنویسی قطعاً توجه را جلب می‌نماید. از این‌رو مجموعه آثار موجود از جعفر تبریزی گامی مؤثر در اعتلای مکتب هرات محسوب می‌شوند.

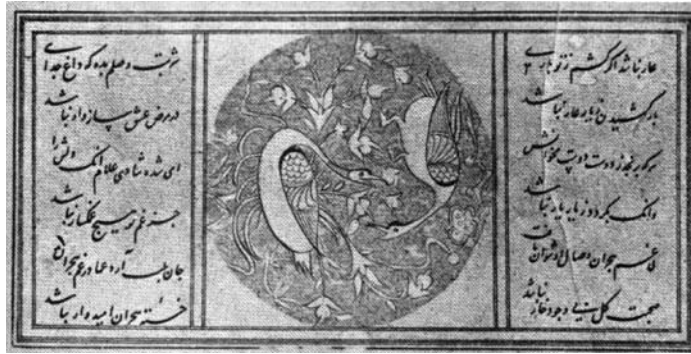
۳.۲. تکامل خط نستعلیق

خط نستعلیق از مهمترین دستاوردهای هنرمندان خوشنویس ایران در سده هشتم هـ/ق / چهاردهم میلادی است. به ظاهر این خط «ابتدا در دو حوزه کتابتی شیراز و اندکی بعد در تبریز نضج یافت و به‌سرعت در هرات و بغداد که از مراکز بزرگ ادب و هنر در آن زمان بودند، مورد توجه قرار گرفت و رواج پیدا کرد» (جباری، ۱۳۸۷، ۸۳). جعفر تبریزی در رساله خط خود شروع نستعلیق را حاصل زحمات هنرمندانی که در شیراز بوده‌اند، دانسته است. چنانچه از قول وی

نقل می‌شود «بباید دانست که نسخ تعلیق اصل او نسخ است؛ جماعتی شیرازیان در آن تصرف کردند و کاف مسطح و ارسال اذیال سین و لام و نون از او بیرون بردند و سین قوسی و کثرت مدات از خطوط دیگر درآوردند و غث و سمین در او رعایت کردند و آن را خطی دیگر ساختند و نسخ تعلیق نام کردند» (فضایلی، ۱۳۵۰، ۲۶۵). در واقع هنرمندان شیرازی با پیروی از «سطح در خط نسخ و دور در خط تعلیق» (جباری، ۱۳۸۷، ۷۹) بنیان این خط را گذاشتند. پایه‌گذاران «خط نستعلیق در شکل حروف و کلمات و انتخاب کادر مرقع، قطعات، چلیپا، کتابت و فاصله دو سطر و دیگر حالات ترکیبی آن در اکثر موارد نزدیک و به‌نحوی اعجاب‌آور، منطبق بر تناسب طلایی عمل کردند» (بختیاری، ۱۳۶۴، ۱۳۵). [۴]

دومین پایه‌گذار خط نستعلیق، در ایران جعفر تبریزی است. عبدالرزاق سمرقندی در این خصوص می‌نویسد: «جعفر تبریزی در انواع خطوط به تخصیص نسخ و تعلیق خواجه میرعلی ثانی بود» [۵] (۱۳۶۵ هـ/ق / ۲، ۶۵۵). وی «در رواج خط نستعلیق کوشش بسیار نمود و در اندک مدتی آن را مقبول عام و خاص کرد» (منشی قمی، ۱۳۵۲، ۱۶). از این‌رو به نستعلیق‌نویسی شهرت یافت. برخی از محققان نظیر دکتر بیانی عقیده دارند که ارزیابی خط نستعلیق وی، اغلب متوسط، خوش و به‌ندرت عالی یا ممتاز و خطوط دیگرش نظیر ثلث و نسخ، عالی و گاه ممتاز است [۶] و به قولی دیگر «با آنکه شهرت عمده‌اش در خط نستعلیق بوده، خطوط دیگر را استادانه‌تر می‌نوشت» (فضایلی، ۱۳۶۲، ۳۲۴). به‌ظاهر مهارت جعفر تبریزی بیش از نستعلیق در خطوط اصول مطرح می‌شود و شهرتش در نستعلیق‌نویسی در پی توجه بسیار وی به تکامل این خط است. تکاملی که

در پی پالایش مفردات [۷] خط نستعلیق، به همت جعفر تبریزی آغاز شده و به «حسن تشکیل» [۸] که از قاعده اصول و نسبت پیروی دارد، ختم می‌شود. اما تغییر آشکار این خط در افزایش دور [۹] برخی از حروف بوده که شامل انحنای بیشتر دوایر حروفی، نظیر حرف «ن» و «ل» و همچنین دور بیشتر در حروف کشیده غیرمسطح نظیر حرف «س» و «ش» است.



تصویر ۱۱. بخشی از گلچین اشعار عرفانی عربی و فارسی، کتابت جعفر تبریزی، هرات، منبع: بینون، ویلکینسون و گری، ۱۳۶۷، ۱۸۸

برطبق نظر اهل فن «در سده‌های آغازین پیدایش خط نستعلیق، دو سبک متفاوت از آن در نقاط مختلف ایران ظاهر شد؛ یکی شیوه جعفر تبریزی و اظهر تبریزی بود که بعدها سلطان‌علی مشهدهی آن را کامل‌تر کرد و در ناحیه خراسان و اطراف آن متداول شد؛ دیگری شیوه عبدالرحمان خوارزمی، خوشنویس دربار سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۸۴-۸۹۴ هـ.ق / ۱۴۸۹-۱۴۷۹) است که در بخش‌های غربی و جنوبی ایران رواج یافت و بعدها فرزندان وی عبدالرحیم و عبدالکریم و پیروانشان، آن را رواج دادند» (فضائی، ۱۳۶۲، ۴۴۸). تفاوت آشکار این دو شیوه در اندازه حروف و کلمات کشیده در هر یک است. به‌طوری که در شیوه مشهور به «غربی» اندازه حروف و کلمات اندکی درشت‌تر از شیوه «خراسانی» (شرقی) نگارش می‌شده که کمتر مطابق ذوق و سلیقه هنرمندان خوشنویس تیموری بوده است. اما شیوه شرقی خط نستعلیق در ایران و سایر ممالک اسلامی گسترش قابل توجهی می‌یابد. از این‌رو بنیانگذاری شیوه شرقی خط نستعلیق به‌دست جعفر تبریزی در اعتلای مکتب هرات عاملی مؤثر محسوب می‌شود.

۴.۲. تعلیم و تربیت شاگردان

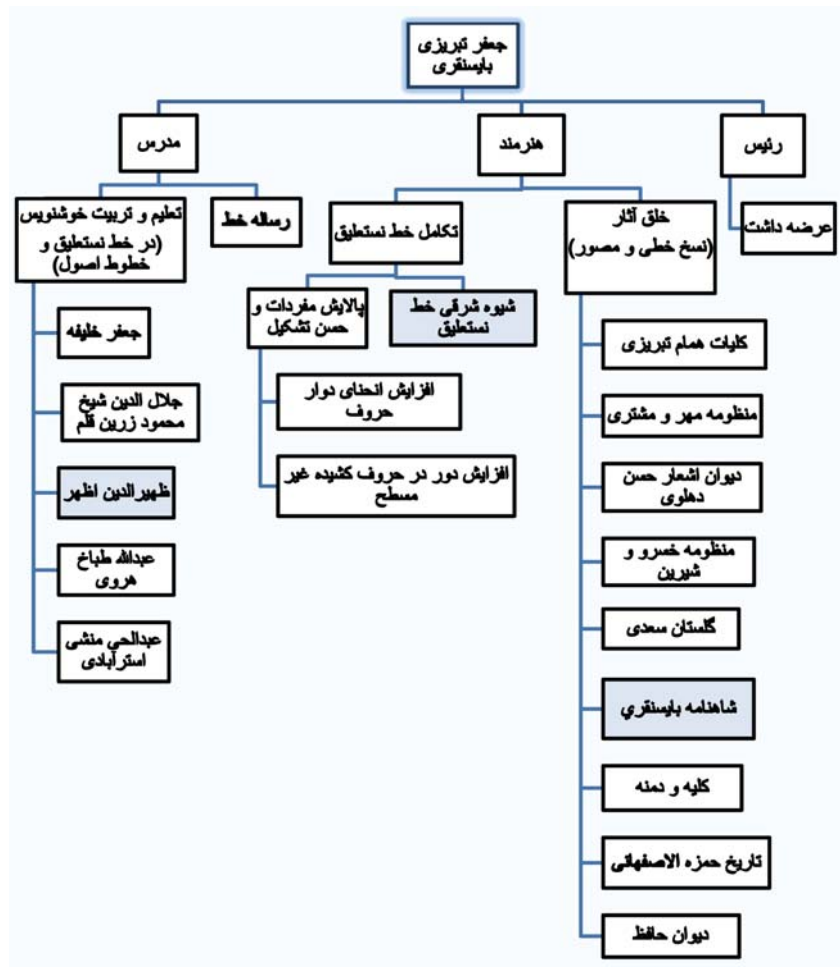
تعلیم و تربیت شاگردان از وظایف مهم استادان خوشنویس در ادوار مختلف هنر ایران بوده است. جعفر تبریزی بایسنقری که «در تحریر انواع خط درجه کمال را حاصل کرده بود» (نخجوانی، ۱۳۷۲، ۱۲۳) از این قاعده مستثنی نبوده و در مقام استادی به تعلیم و تربیت شاگردان می‌پرداخته است. پرورش خوشنویس، پیش از جعفر تبریزی نیز امری مرسوم به‌شمار می‌آمد. دوست محمد هروی در خصوص استادان و شاگردان خط نستعلیق می‌نویسد که «مخترع خط نستعلیق، حضرت استادی و قبله الکتابی خواجه ظهیرالدین میرعلی تبریزی بوده‌اند و انتساب این سلسله را از ایشان تجاوز داده و به دیگری نمی‌توان رسانید و خواجه عبدالله ولد ارجمند مشارالیه است و شاگرد ایشان است. مشارالیه در حسن خط به‌مثابه‌ای است که خط او را هنروران زمان از خط والد بزرگوارش فرق نمی‌توانند کرد و مولانا فریدالدین جعفر در این خط شاگرد ایشان است» (گواشانی هروی، ۱۳۷۲، ۲۶۵).



V9

<http://Journal.art.ac.ir>

دوست محمد، مصطفی عالی افندی، میرمنشی قمی و دولت‌شاه سمرقندی» (آزند، ۱۳۸۳، ۳۳) تهیه شده است. لازم به ذکر است رساله‌ای در خصوص خط توسط جعفر تبریزی نگاشته شده که بخشی از آن در خصوص پیدایش خط نستعلیق است. این مبحث مورد توجه محققانی نظیر حبیب الله فضایی (فضایی، ۱۳۶۲: ۲۶۵) بوده و همواره در تحقیقات به آن استناد می‌گردد.



تصویر ۱۳. نمودار نقش مؤثر جعفر تبریزی در اعتلای مکتب هرات، منبع: نگارندگان

در خاتمه، با توجه به داده‌های مقاله، نموداری تنظیم می‌شود که بیانگر نقش مؤثر جعفر تبریزی بایسنقری در اعتلای مکتب هرات است (تصویر ۱۳). در این نمودار، گستره تلاش وی در سه بخش «رئیس»، «هنرمند» و «مدرس» کتابخانه بایسنقری طبقه‌بندی می‌گردد. بخش اول فعالیت ایشان در عرضه‌داشت به‌جا مانده انعکاس یافته است؛ در بخش دیگر به خلق آثار شامل کتاب‌های خطی و مصور پرداخته است و همچنین می‌توان به تکامل خط نستعلیق اشاره داشت. در آخرین بخش، به رساله خط و اسامی شاگردان به‌نام جعفر تبریزی در خطوط اصول و نستعلیق اشاره می‌شود. در این نمودار بر عناوین شاهنامه بایسنقری، شیوہ شرقی خط نستعلیق

و ظهیرالدین اظهر تأکید می‌شود، زیرا شاهنامه بایسنقری به‌جهت اهمیت بسیاری که در تاریخ هنر کتاب‌آرایی ایران دارد و همچنین شیوه شرقی خط نستعلیق به‌دلیل رواج بسیاری که در ایران و سایر ممالک یافته است، از اهمیت بسیار برخوردار است. همچنین ظهیرالدین اظهر، خوشنویسی که با پیروی از استاد خویش در خلق آثاری بی‌نظیر، پرورش خوشنویسانی متعهد و همچنین تکامل خط نستعلیق کوشش بسیار نمود، آخرین مورد تأکید شده است.

نتیجه‌گیری

مکتب هرات از مکاتب مطرح عهد تیموری است. در این دوران کتابخانه‌هایی برای فعالیت هنرمندان در شهر هرات به‌وجود آمد که کتابخانه بایسنقری به‌لحاظ ریاست جعفر تبریزی و همچنین حضور هنرمندانی ماهر نظیر امیرخلیل، مولانا علی و مولانا قوام‌الدین در جهت خلق آثاری ارزشمند، منحصر به‌فرد گردید. در این مقاله نقش جعفر تبریزی ملقب به بایسنقری در اعتلای مکتب هرات مورد بررسی قرار گرفت و این نتایج به‌دست آمد.

جعفر تبریزی در کتابخانه بایسنقری در سمت‌های رئیس، هنرمند و مدرس خوشنویسی فعالیت داشت. تهیه و تنظیم گزارش‌های کتبی از وقایع کارگاه‌های فعال در این کتابخانه از جمله خدمات ارزنده وی است. این هنرمند خوشنویس مکتب هرات، آثاری ارزشمند از قطعات و کتب خطی و مصور خلق کرد که غالباً قطعات به انواع خطوط اصول و کتب خطی و مصور به خط نستعلیق خطاطی و کتابت شده‌اند. مجموعه آثار جعفر تبریزی نشانه تلاش جدی وی در تکامل خوشنویسی انواع خطوط نظیر خط نستعلیق است. خط نستعلیق به مراتب بیش از دیگر خطوط در کتابت کتاب‌های مصور و خطی کاربرد داشت. تکامل این خط به مدد جعفر تبریزی بایسنقری با پالایش در مفردات آن آغاز و به حسن تشکیل این خط منتهی شد. در واقع جعفر تبریزی شیوه شرقی یا خراسانی خط نستعلیق را رواج داد. این شیوه حتی در خارج از این مرز و بوم نیز علاقه‌مندانی پیدا کرد. تعلیم و تربیت شاگردان فعالیت دیگری از جعفر تبریزی است. وی به‌عنوان مدرس در انواع خطوط اصول و خط نستعلیق به تعلیم و تربیت شاگردان پرداخت؛ همچنین رساله خطی نیز نگاشت و این چنین به توسعه و پیشرفت هنر خوشنویسی در ایران کمک بسیار کرد.

مجموعه آثار مطرح مکتب هرات به‌دست جعفر تبریزی و یا شاگردان وی خلق شدند. از معروف‌ترین شاگردان استاد که در نگارش خطوط اصول و نستعلیق تبحر لازم را به‌دست آوردند، عبدالله طباطبائی هروی و دیگری ظهیرالدین اظهر بودند که پس از طی مراحل تعیین شده و اخذ اجازه‌نامه‌های خود به تعلیم و تربیت شاگردانی همت گماردند. این افراد به‌عنوان هنرمندان و استادان به‌نام مکتب هرات شهرت یافتند. در نهایت نتیجه گرفته شد که نقش جعفر تبریزی در اعتلای مرحله نخست مکتب هرات امری مسلم است که در دوران ریاست و همچنین فعالیت هنری و مدرسی وی در کتابخانه بایسنقری صورت گرفت. اثر بی‌همتای شاهنامه بایسنقری، تکامل خط نستعلیق و پایه‌گذاری شیوه شرقی آن و همچنین پرورش خوشنویسانی ماهر و متعهد نظیر ظهیرالدین اظهر حاصل تلاش بی‌دریغ جعفر تبریزی بایسنقری در مکتب هرات بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. خطوط سته، یا خطوط اصول شامل خطوط محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع است.

۲. عمارت

خاصه شیدالله ارکانه الی یوم الخلود.

درگاه سنگتراشی تمام شده و از کاشی‌تراشی کتابه و کنگره مانده و در کارند و فرش ممر تمام شده و در دندان صورتخانه نشانده شده و مخارجه نهاده. سنگ‌تراشان بکار حوض مشغول‌اند. کلنگ‌خانه را که گل سقف و گچ خاک و آهک‌کاری تمام شده. قصر قدیم قبه و بادامن تا زیر مقرنش نقاشی شده ستون جا شرقی از نو نهاده شد. باغ جدید دیوار که شش‌دای فرموده بعضی چهاردای و بعضی سه‌دای شده و کارند ایوان و دالان بنیاد شده. شاه پی پیش ایوان تراشیده بر کار خواهند نهاد. کتبخانه که جهت نقاشان بنیاد نهاده تکمیل یافته نقاشان و کاتبان نزول کرده. باغ میدان دیوار قبلی سه‌دای شده و کاشی‌تراشان که از درگاه سنگ دست خالی می‌کنند بکار ایزاره باغ مذکور مشغول خواهند شد.

خرگاه

یقه ترلق چهارده قطعه و بوزه هفت قطعه از جمله این بیست و یک قطعه شش قطعه تمام شده است و نعل‌های قطعه تمامی دوخته شده است و شمس‌های میان قطع‌های خط که صورت گریست از جمله بیست و یک عدد شش عدد تمام شده و شرف و محبس و حاشی‌ها را قریب یک دانگ و نیم کار دوخته شده، کار بیرون خرگاه که اصل او مثقالی است و نقش او صندل باف و تحریر او زرحقه قریب یک دانگ و نیم کار دوخته شده و تمه مشغول‌اند. دولت مخلص باد (آژند، ۱۳۸۷، ۴۴۹ و ۴۵۰).

۳. تقسیم‌بندی سنتی قلم‌ها و اندازه آنها به میلی‌متر و سانتی‌متر طبق جداول زیر است (امیرخانی، ۱۳۷۷، ۵ و سلوتی، ۱۳۹۰ و ۳۸ و ۳۷):

ردیف	نام قلم	اندازه به میلی‌متر
۱	غبار	از کوچک‌ترین اندازه تا ۰/۵ میلی‌متر
۲	خفی	از ۰/۵ میلی‌متر تا ۳/۴ میلی‌متر
۳	کتابت	از ۳/۴ میلی‌متر تا ۱/۵ میلی‌متر
۴	سرفصلی	از ۱/۵ میلی‌متر تا ۲ میلی‌متر
۵	مشقی	از ۲ میلی‌متر تا ۶ میلی‌متر
۶	جلی صفحه	از ۶ میلی‌متر تا ۲ سانتی‌متر
	کتیبه	از ۲ سانتی‌متر به بالا

یک دانگ	۲-۲/۵ میلی‌متر
دو دانگ مشقی	۲/۵-۳ میلی‌متر
دو و نیم دانگ مشقی	۳-۳/۵ میلی‌متر
سه دانگ مشقی	۳/۵-۴ میلی‌متر
چهار دانگ مشقی	۴-۴/۵ میلی‌متر
پنج دانگ مشقی	۴/۵-۵ میلی‌متر
شش دانگ مشقی	۵-۵/۵ میلی‌متر

۴. تعریف ساده تناسب طلایی این است: نسبت جزء کوچک‌تر به جزء بزرگ‌تر برابر است با نسبت جزء بزرگ‌تر به کل (بختیاری، ۱۳۶۴، ۱۳۲).

۵. اولین استاد نستعلیق میرعلی تبریزی، هنرمند خوشنویس قرن هشتم هـ.ق است. نستعلیق توسط میرعلی تبریزی با وجود پیشینه‌هایی که قبل از وی به صورت ناقص وجود داشته، اصلاح و منظم شد (سید صدر،

۱۳۸۳، ۷۷۷).

۶. درجات و مراتب خط از چهار رتبه و بین آنها بیرون نیست و ارزش قطعات خط از تعیین رتبه‌ها دانسته می‌شود و آن چهار عبارتست از: متوسط، خوش، عالی، ممتاز. مرتبه توسط آن است که هنرجو در اثر مختصر تعلیم و آشنایی به قواعد آن خطی روشن و خوانا پیدا کند و این درجه فرود این خط است که از نظر هنر خوشنویسی اهمیتی ندارد و تنها امتیازش این است که از خط مبتدی برتر و بهتر است و قدمی به خوشنویسی نزدیک‌تر شده است. مرتبه خوش، مرتبه‌ای بالاتر از متوسط است که در آن نکات تعلیم استاد بیشتر رعایت شده و زیبایی و مرغوبی بیشتر دیده می‌شود. مرتبه عالی به درجاتی بالای خوش قرار گرفته است و آن خطی است که از نظر اصول و قواعد و زیبایی ضعیفی در آن دیده نشود و قطعات و مکتوباتی که بدین پایه و مایه باشد دارای اهمیت و ارزش خواهد بود. ممتاز خطی است که در حد عالی‌ترین و نهایت کمال و زیبایی و صفا و شأن قرار گرفته باشد و بهتر از آن در نظر اهل فن تصور نشود و چنین قطعات و نوشته‌هایی را در هر زمان و هر جا ارزش فوق‌العاده نهند (فضایی، ۱۳۶۲، ۲۴۵).

۷. مفردات، «الفاظی را گویند که از ترکیب حرفی با حرف دیگر به وجود آید مانند، با، بت، بج، بر» (قلیچ‌خانی، ۱۳۸۸، ۳۵۵).

۸. حسن تشکیل یکی از موارد قواعد خوشنویسی است که از دو بخش اصول و نسبت تشکیل شده است.

۹. دور یکی از اجزای خط است.

۱۰. عبدالله طباح، «اغلب تذکره‌نویسان او را در اقلام سته شاگرد جعفر تیریزی دانسته‌اند. در خط نستعلیق نیز مهارت داشت و در خط ثلث پیروی یاقوت می‌کرد. به قول مؤلف «گلستان هنر» وی در زرافشانی و وصالی نیز دست داشته و اکثر کتیبه‌های عمارات هرات خصوصاً گازرگاه و مشهد به خط او است» (www.vista.ir/article/63540).

۱۱. شیخ محمود زرین‌قلم خوشنویس و خفی‌نویس قرن دهم هجری بود. نام او در شمار شاگردان جعفر تیریزی معروف به بایسنقری آمده است (فضایی، ۱۳۶۲، ۳۲۵ و ۳۲۶).

فهرست منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۸۳) «خوشنویسی در قلمرو مکتب هرات (با تأکید بر خط نستعلیق)»، کتاب ماه هنر، شماره ۶۹ و ۷۰، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، تهران.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۶ الف) «کتابخانه و صورتخانه در مکتب هرات»، گلستان هنر، ش ۴ (شماره پیاپی ۱۰)، فرهنگستان هنر، تهران.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۶ ب) پیشگامان نگارگری و نستعلیق، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۷) مکتب نگارگری هرات، فرهنگستان هنر، تهران.
- اصفهانی، حبیب (۱۳۶۹) تذکره خط و خطاطان، رحیم چاوش اکبری، انتشارات مستوفی، تهران.
- امیرخانی، غلام‌حسین (۱۳۷۷) آداب الخط/امیرخانی، انجمن خوشنویسان ایران، تهران.
- بختیاری، جواد (۱۳۶۷) «جوهره و ساختار هندسی خط نستعلیق»، فصلنامه هنر، شماره ۹، وزات ارشاد اسلامی، تهران.
- بیانی، مهدی (۱۳۵۸) آثار و احوال خوشنویسان ایران، جلد ۴، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳) احوال و آثار خوشنویسان. جلد ۱ و ۲، انتشارات علمی، تهران.
- بینون، لورنس؛ ویلکسون، ج. و. س و گری، بازیل (۱۳۶۷) سیر تاریخ نقاشی ایرانی، ترجمه محمد ایرانمنش، امیرکبیر، تهران.
- پارسای قدسی، احد (۱۳۵۶) «سندی مربوط به فعالیت‌های هنری دوره تیموری در کتابخانه بایسنقری هرات»، هنر و مردم، شماره ۱۷۵، اداره هنرهای زیبای کشور، تهران.
- پاکبان، رویین (۱۳۸۴) نقاشی ایرانی (از دیروز تا امروز)، چاپ چهارم، زرین و سیمین، تهران.
- جباری، صداقت (۱۳۸۷) «تکوین و تطور خط نستعلیق در سده هشتم و نهم هجری قمری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۳، دانشگاه تهران، تهران.
- حبیبی، عبدالحی (۱۳۵۶) هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- خواندمیر، (۱۳۵۳) حبیب‌السیر، جلد ۳، خیام، تهران.
- روان‌جو، احمد (۱۳۹۱) «پژوهشی در اجازه‌نامه یا اذن‌نامه در قلمرو هنر خوشنویسی»، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، شماره ۵۰، دانشگاه تهران، تهران.

- سلوتی، رحیم (۱۳۹۰) *رساله اسباب کتابت در خوشنویسی*، حلقه، تهران.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۶۵ ق) *مطلع سعدین*، جزء ۲، چاپ محمد شفیع لاهوری، لاهور.
- سودآور، ابوالعلا (۱۳۸۹) *هنر دربارهای ایران*، محمدعلی خلیلی، اقبال، تهران.
- سید صدر، سید ابوالقاسم (۱۳۸۳) *دایره المعارف هنر*، سیمای دانش، تهران.
- شاد قزوینی، پریسا (۱۳۸۶) «بررسی نسخه‌های خطی و مرقعات ایرانی سده‌های هشتم تا دهم هجری در موزه توپقاپی سرای استانبول»، *فصلنامه گنجینه اسناد*، شماره ۶۷، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران.
- صدیقی، جلال‌الدین (۱۳۶۹) *افغانستان در قرون جدید*، آریانا، کابل.
- طلوعی، محمود (۱۳۸۸) *بازنگری تاریخ ایران از عهد باستان تا امروز*، انتشارات تهران، تهران.
- عالی افندی، مصطفی (۱۳۶۹) *مناقب هنروران*، ترجمه دکتر توفیق ه. سبجانی، سروش، تهران.
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۶۲) *اطلس خط (تحقیق در خطوط اسلامی)*، مشعل، اصفهان.
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۵۰) *تعلیم خط*، سروش، تهران.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۸۸) *فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته*، روزنه، تهران.
- کاوسی، ولی‌الله (۱۳۸۹) *تنیق و تنبور*، هنر دوره تیموریان به روایت متون، موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، تهران.
- کن بای، شیلا (۱۳۷۸) *نقاشی ایرانی*، مهدی حسینی، دانشگاه هنر، تهران.
- گری، بازیل (۱۳۶۹) *نقاشی ایران*، عربعلی شروه، عصرجدید، تهران.
- گواشانی هروی، دوست‌محمد (۱۳۷۲) *دبیاچه*، در کتاب *آرایی در تمدن اسلامی*، به کوشش نجیب مایل هروی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- مجنون رفیقی (۱۳۷۲) *سواد الخط*، در کتاب *آرایی در تمدن اسلامی*، به کوشش نجیب مایل هروی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- مقدم اشرفی، م (۱۳۶۷) *همگامی نقاشی با ادبیات*، رویین پاکباز، نگاه، تهران.
- منشی‌قمی، احمد بن حسین (۱۳۵۲) *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی‌خوانساری، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- نخجوانی، حسین (۱۳۷۲) *نشریه زبان و ادبیات*، شماره ۴۵، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تبریز.
- Rabinson, B.W (1981) *Persian Drawing (Drawings of the masters)*, Little, Brown and Company.
- www.vista.ir/article/6354037-
- www.ee.bilkent.edu.tr/~history/timurid.html